رابطهٔ ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری

رسول ربانی*، وحید قاسمی**، محمد عباس زاده***

طرح مسأله: *افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای فراگیر مخصوصاً در کلان شهرهای بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از جمله ایران و مشکلات ناشی از آن، باعث شده است بسیاری از نظریه پردازان شهری به مشارکت شهروندان در امور شهری، توجه خاصی نمایند. هدف مقاله حاضر، بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری و رابطهٔ رفاه اجتماعی با آن بوده است.*

روش: *روش تحقیق، پیمایشی بوده و برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته، تعداد ۷۰۰ نفر پاسخگو به شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای از بین سرپرستان خانوارهای ۷ منطقه شهرداری اصفهان به عنوان نمونه نهایی انتخاب و به پرسشنامه‌های تهیه شده پاسخ گفته‌اند (سال۱۳۸٦).*

یافته‌ها: *براساس یافته‌های تحقیق حاضر، بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری داشته و بین ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی و مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه معنی دار خطی حاصل آمده است. همچنین بر اساس ضریب تبیین اصلاح شده رگرسیونی می‌توان گفت که ۱۷درصد تغییرات متغیر وابسته، از طریق متغیرهای وارد بر مدل رگرسیونی تبیین گردیده و رابطه اعتماد نهادی با متغیر وابسته، بیش از بقیه متغیرها بوده است.*

نتایج: *هر قدر اعتماد نهادی و رضامندی اجتماعی و شهروندان در حد بالا و احساس محرومیت آنان در حد پایینی باشد، به همان اندازه، مشارکت آنان در امور شهری، بیشتر خواهد بود.*

کلید واژه‌ها: احساس محرومیت نسبی، اعتماد نهادی، رضامندی اجتماعی، رضامندی بهداشتی، رفاه مادی، مشارکت

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۱ ***تاریخ پذیرش: ۸۷/۸/۲۷***

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

*** دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان <M_abbaszadeh@yahoo.com>

مقدمه

در عصر حاضر، تغییرات شگرفی در علـوم حاصـل آمـده و در اکثـر شـاخه‌هـای علـوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسی توسعه تغییرات قابل توجهی پدید آمده است . محـور اصـلی در گزارش توسعه انسانی به سال ۱۹۹٤، توجه به بحث عاملیت انسانی (Graff, 2000) بـوده است. در قرن اخیر، لزوم مشارکت مردمی در مراحل مختلف تکـوین فراینـد توسـعه، مـورد توجه جدی قرار گرفته و توجه به فعالیت‌های مشارکتی مردم، راهبرد جدید توسـعه، عنـوان شده است.

بر طبق نظر سرجل (Serjel) و افراد دیگر، مشارکت در بسیاری از کـشورها، مفهـومی ابهام انگیز است (نیازی، ۱۳۸۱: : ۲۷). به عنوان مثال، میـسرا (Misra)، مـشارکت را سـهیم شدن افراد در تصمیم‌گیری‌هایی می‌داند که این تـصمیم‌گیـری در وضـع آنهـا مـؤثر اسـت (ربانی و گنجی، ۱۳۸٤: ۱۲۵). ارنشتاین(Arneshtein)، مـشارکت را نـوعی توزیـع مجـدد قدرت قلمداد می‌کند که به سبب آن، شهروندانی را که در حال حاضر در فرایند سیاسـی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند، قادر می‌سازد تـا بـه تـدریج در آینـده شـرکت داده شـوند (نیازی، ۱۳۸۱: ۳۰). آلموند و پاول (Almond and Powel)، فعالیت‌های مشارکت جویانـه را آن دسـته از فعالیـت‌هـایی مـی‌داننـد کـه شـهروند معمـولی مـی‌کوشـد از راه آنهـا بـر سیاستگذاری‌های شـهری اعمـال نفـوذ کنـد (کیهـانی، ۱۳۸٤: ۲۷۷). بیـشتر اندیـشمندان، تأثیرگذاری شهروندان در تصمیم‌های شهری (Verba,1967: 55, and Rayan,1999: 33) را بـا هـدف توانمنـد سـازی آنـان در اداره امـور محلـی و تحـصیل خـدمات بهینـه شـهری (Schubler,1996: 5)، یادآور شده، نقـش مـشارکت را در توسـعه پایـدار شـهری، تحقـق دموکراسی، جامعه مدنی و سایر موارد مرتبط، بسیار حیاتی خوانده‌اند.

با توجه به موارد مذکور، در جامعه ما، ایران، نیاز به مشارکت، بـیش از پـیش احـساس می‌شود. زیرا جامعه ما به جهت شرایط اجتماعی، تاریخی و سیاسـی، بحرانهـای متعـددی را پشت سر گذاشته و در ادوار پیشین به دلایـل مختلـف، در رسـیدن بـه توسـعه پایـدار، مخصوصاً توسعه پایدار شهری، مرارت‌های زیادی را متحمل گردیده است. حال که شـاهد

مشکلات زیست محیطی شهری و اجتماعی بوده‌ایم و مسائل موجود جامعه شهری در خصوص رعایت ترافیک، توجه به فضای سبز، همکاری با شهرداری‌ها در زمینه ساخت و سازها، جمع آوری زباله، ایمنی شهری و مسایل عدیده دیگر به نوعی ما را در رسیدن به توسعه فراگیر با مشکل مواجه ساخته است، راهکار اساسی چه می‌تواند باشد؟ عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری کدامند؟ رفاه اجتماعی چه تأثیری در میزان مشارکت شهروندان در امور شهری دارد؟ در پاسخ به سؤالات بالا، عده‌ای وجود اعتماد نهادی (بعد غیرمادی رفاه اجتماعی) را در امر مشارکت مؤثر دانسته‌اند (علوی تبار، ۱۳۸۱) و برخی، متغیرهایی نظیر درآمد و تأمین شدن مایحتاج اولیه خانوار (بعد مادی رفاه اجتماعی) را از عوامل مهم در امر مشارکت قلمداد کرده‌اند (Rebori, 2005: 1).

چهار چوب نظری

بر اساس نظریه جیمز فریزر(J. Frazer)، وضعیت اقتصادی و مادی شهروندان می‌تواند انگیزه‌های اساسی آنها در کنش مشارکتی باشد (تقوی، ۱۳۸۵). مردم، تصمیم گیرنده‌هایی منطقی و عقلایی هستند. آنها نوع کنش خود را بسته به شرایط مختلف زندگی از جمله وضعیت اقتصادی و مادی بروز می‌دهند. مازلو(Maslow)، معتقد است که تمام انسانها دارای نیازهایی(نیازهای جسمی، نیاز به ایمنی، نیاز به روابط اجتماعی، نیاز به احترام، نیاز به خویشتن‌یابی و رضایت) هستند که با انگیزه برآوردن آنها به فعالیتهای مختلف اجتماعی دست می‌زنند (رضوی، ۱۳۷۷: ۱۱٦). بنابراین به نظر می‌رسد تا زمانی که مردم از حیث اقتصادی، بهداشتی و تأمین مایحتاج اولیه زندگی در وضعیت مناسبی نباشند، نمی‌توان شاهد تحقق مشارکت فراگیر آنان در امور شهری بود.

به بیان هابرماس(Habermas)، کنش ارتباطی، بارزترین و فراگیرترین پدیده بشری است که بنیاد سراسر زندگی اجتماعی و فرهنگی و نیز همه علوم انسانی را تشکیل می‌دهد. مبنای نظریه هابرماس، ارتباط تحریف نشده است. به همین خاطر، وی در برقراری تعامل و مباحثه، چهار نوع معیار برای اعتبار داعیه‌ها مطرح کرده است: ۱) قابل

فهم بودن ۲) حقیقت داشتن (مبتنی بودن داعیه‌ها بر دانش موثق) ۳) قابل اعتماد بودن گوینده ٤) آزادی بیان مطرح کننده داعیه‌ها (ریتزر، ۱۳۷٤: ۲۱۵-۲۱۲). به این ترتیب، افراد درگیر در هر فعالیتی نظیر فعالیت مشارکتی، اگر احساس کنند که در جامعه از اعتماد عمومی خبری نیست، سعی خواهند کرد از انجام چنین فعالیتی سر باز زنند. این بخش از نظرات هابرماس با بخشی از نظریات اینگلهارت (Ingelhart)، آلموند(Almond) و وربا (Verba) که رابطه بین مشارکت و اعتماد را مورد توجه جدی قرار داده اند (دهقان و غفاری، ۱۳۸٤)، همخوانی دارد.

این که رفاه اجتماعی بر مشارکت شهروندان تأثیرگذار است، مورد قبول بیشتر اندیشمندان است (Saunders, Brown, and Eardely, 2003: 1). ولی تا به حال به مقوله رفاه اجتماعی بیشتر از بعد اقتصادی نگریسته شده است و افرادی چون آرمسترانگ (Armestrange) و اندیشمندان متعدد دیگر، در تئوری‌هایی که ارائه کرده‌اند، بیشتر، بعد اقتصادی آن را دیده‌اند (Rothenberg, 1953: 245)؛ اما رفاه اجتماعی تنها به موضوع اقتصادی مرتبط نمی‌شود؛ بلکه مفاهیمی نظیر اعتماد نهادی، احساس محرومیت نسبی، رضامندی بهداشتی، رضامندی اجتماعی و موارد دیگری را نیز در بر می‌گیرد که تحت عنوان بعد غیرمادی رفاه اجتماعی قابل بررسی است (Giddens, 2006: 365-367, and Bannet, 2004: 45).

یکی از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی، اعتماد نهادی است. که جایگاه ممتازی در تبیین مشارکت شهروندان دارد. به همین خاطر است که در سالهای اخیر، جامعه شناسانی نظیر لوهمان (Luhman)، باربر(Brber) و دریسکول (Driscol)، اعتماد را در مرکز تحلیل‌های جامعه شناختی خود قرار داده و تأثیر آن را بر مشارکت شهروندان حیاتی خوانده‌اند (Driscol,1978, Lewis,and Welgert,1985: 980). نتایج تحقیق صورت گرفته توسط ربانی و گنجی(۱۳۸٤)، مقدس جعفری(۱۳۸۱)، کیهانی(۱۳۸٤)، روسی(Rose, 2006)، اسمیت (Smith,2006) و لی(Lee,2006)، نشان داد که برای افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف، وجود اعتماد نهادی ضروری است.

دومین بعد از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی در تحقیق حاضر، احساس محرومیت نسبی است. دیویس(Davis)، ادعا می‌کند احساس محرومیت نسبی زمانی اتفاق می‌افتد که شخص دوست دارد آن چیزی که دیگران دارند، او هم داشته باشد. رانسیمن(Runciman)، مطرح می‌نماید که یک شخص زمانی احساس محرومیت نسبی می‌کند که احساس کند آن وضعیت و شرایط قابل دستیابی است. کروسبی (Crosby)، خاطر نشان می‌سازد که وضعیت نابرابر حاکم بر اجتماع می‌تواند به احساس محرومیت نسبی بیانجامد (Mehlum,2002: 69). بنابراین، وقتی مردم به جهت وجود نابرابریهای اجتماعی، احساس نمایند که در مقایسه با دیگران یا در مقایسه امکانات شهری منطقه خود با سایر مناطق، مورد تبعیض واقع گردیده اند، طبیعی است به نیاز اساسی مسؤولان شهری که همانا مشارکت شهروندان در امور شهری است، پاسخ مناسبی نخواهند داد. امیرکافی در تحقیقی که پیرامون مشارکت انجام داده به این نتیجه مهم دست یافته است که هر قدر احساس محرومیت نسبی در جامعه بالا باشد، از مشارکت مردم در امور مختلف شهری کاسته خواهد شد (امیرکافی، ۱۳۸۲).

سومین بعد از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی در تحقیق حاضر، رضامندی بهداشتی شهروندان می‌باشد که می‌تواند تأثیر اساسی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری داشته باشد. چرا که هر گونه فعالیت فیزیکی و اجتماعی، لزوماً به بدن سالم احتیاج دارد (Howard, et al 2007). در تحقیق ایکستروم و همکاران وی، رابطه بین رضامندی بهداشتی با میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی تأیید گردیده است (Ekstrom, and et al, 2007).

آخرین بعد از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی که در تحقیق حاضر به آن پرداخته شده است، میزان رضامندی اجتماعی است. رضامندی از زندگی و شغل و در کل رضامندی از اجتماع محل زیست، می‌تواند استمرار هرگونه کنش مثبت اجتماعی از جمله مشارکت شهروندان در امور شهری را سبب گردد. این امر همان مصداق نظریه تسری گرونبرگ است (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۷). از نظر ایشان، انسانها رضایت یا عدم رضایت خود از یک

بخش از زندگی را به سایر بخش‌ها منتقل می‌کنند. بنابراین، شهروندی که از وضع زندگی‌اش رضایت داشته باشد، بیشتر تمایل خواهد داشت در امور مختلف اجتماعی مشارکت نماید (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ٥٢٦). تحقیقات کاظمی کردآسیایی(۱۳۸۱)، حسین‌زاده (۱۳۸۵) و کوثری (۱۳۷٤) نشان داده که رضامندی اجتماعی در افزایش مشارکت، تأثیر بسزایی داشته است.

در جهان امروز، رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسان تلقی می‌شود و گسترش نظریه‌های انسان دوستی با تأکید بر مسؤولیت همگان نسبت به یکدیگر و همچنین پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی، در پیدایش نگرش‌های جدید در خصوص رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر فعالیت‌های اجتماعی، مؤثر بوده است. این امر نشان می‌دهد که برآورد نیازهای شهروندان می‌تواند بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. بنابراین می‌توان ادعا کردکه نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و زمینه‌های غیر مادی را نیز شامل می‌گردد و به همین خاطر است که دو بعد اساسی برای رفاه (بعد مادی و غیر مادی) درنظر گرفته شده و بر اساس آن، رابطهٔ مشارکت شهروندان در امور شهری با ابعاد مزبور سنجیده شده است.

روش

نوع تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش پیمایشی است، به این معنی که توزیع ویژگی‌های جامعه آماری مد نظر بوده و هدف، تبیین وضعیت موجود و شناسایی رابطه بین رویدادها بوده است. از لحاظ میزان ژرفایی، پهناگر بوده (تحقیق روی جمعیت وسیع) و با در نظرگرفتن معیار زمان، مقطعی است: منظور اینکه در پژوهش حاضر، داده‌ها در مورد چندین صفت مورد مطالعه در مقطعی از زمان (سال ۱۳۸٦)گردآوری شده‌اند.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل کلیه سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان به تعداد ٤٤٤٥٥٢ نفر(سال ۱۳۸٦) بوده‌است. با توجه به ویژگیهای جمعیتی و پراکندگی آنان در

سطح مناطق شهرداری اصفهان، تعداد ۷۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب گردیده است. بر این اساس، بیشترین نمونه انتخاب شده به ترتیب از مناطق هشت، پنج، ده، سه، شش، یک و یازده بوده است.

ابزار مطالعه

وسیله اندازه‌گیری شامل پرسشنامه محقق ساخته بوده است ابتدا پرسشنامه مقدماتی، به تعدادی از متخصصان مرتبط، ارجاع گردیده نهایتاً اعتبار صوری وسیله اندازه‌گیری با حذف و اصلاح تعدادی از گویه‌ها، حاصل شد. برای بررسی پایایی گویه‌های مرتبط با متغیر وابسته (مشارکت) به جهت یک بعدی بودن آن، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار ضریب مذکور به میزان ۰/۸۱۹ بوده که نشان ازپایداری درونی بالای بین گویه‌ها دارد. در مرحله بعد برای برآورد اعتبار سازه‌ای[1] مرتبط با بعد غیرمادی رفاه اجتماعی، از تحلیل عاملی[2] استفاده شد. معنی داری آزمون بارتلت (Sig=0.000) و نتایج آزمون آماری کایزرمایر(KMO=/۷۲۹)، نشان می‌دهد که تحلیل عاملی برای گویه‌های مورد نظر، امکانپذیر است و تعداد نمونه انتخاب شده برای انجام تحلیل عاملی، کافی می‌باشد. نتیجه نهایی اینکه تعداد ابعاد قابل قبول برای سازه رفاه اجتماعی در بعد غیرمادی، چهار عامل اعتماد نهادی، احساس محرومیت نسبی، رضامندی بهداشتی و رضامندی اجتماعی تشخیص داده شده است. علاوه بر انجام تحلیل عاملی، تحلیل پایایی در مورد هریک از عاملها و متغیرهای مربوط به ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی بر اساس روش پایداری درونی و با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که هریک از عوامل مطرح شده، دارای ضریب پایایی قابل قبولی بوده‌اند (جدول شماره ۱). بعد از حصول اعتبار و پایایی وسیله اندازه گیری، جمع‌آوری داده‌ها در سطح وسیع به وسیله پرسشگران آموزش دیده صورت پذیرفت.

1- construct validity
2- factor analysis

جدول شماره ۱: نتایج و اجزاء تحلیل عاملی و تحلیل پایایی گویه‌های مربوط به ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی

بعد غیرمادی رفاه	شاخصها	بار عاملی	درصد واریانس تبیین شده	مقادیر ویژه	ضریب پایایی هر عامل	ضریب پایایی کل
اعتماد نهادی	صداقت	۰/۸۵۵	۲۶/۵۱۹	۲/۵۷۷	۰/۷۸۵	۰/۷۵۲
	قابل اعتماد بودن	۰/۸۵۳				
	انتقادپذیری	۰/۷۸۱				
	مسئولیت پذیری	۰/۶۰۷				
احساس محرومیت نسبی	تقسیم عادلانه امکانات و منابع	۰/۹۴۰	۱۴/۷۶۱	۲/۱۵۱	۰/۷۵۶	
	احساس نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی	۰/۹۳۵				
	مقایسه امکانات شهری منطقه خود با سایر مناطق	۰/۵۴۷				
رضا مندی بهداشتی	رضایت از پزشکان عمومی	۰/۸۱۴	۱۰/۸۵۷	۱/۹۰۲	۰/۶۶۸	
	رضامندی از پزشکان متخصص	۰/۷۲۱				
	رضامندی از خدمات بهداشتی دریافتی	۰/۷۰۶				
رضامندی اجتماعی	احترام اجتماعی	۰/۷۰۳	۸/۵۵۷	۱/۲۶۱	۰/۳۲۶	
	رضایت از هم محله‌ایها	۰/۶۰۹				
	رضایت از شغل	۰/۵۰				

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی و استنباطی دو متغیره

برای سنجش مشارکت شهری، ۲۱ گویه داده شده بود. بـا در نظرگـرفتن مجمـوع نمـرات حاصله از ۲۱ سؤال انتخابی تحت عنوان مشارکت در امور شهری، می‌توان گفت که میـانگین مشارکت شهری شهروندان ۹۱/۷۱ و میزان چاولگی برابر با ۰/٤۰۲- مـی‌باشـد. نتـایج مـذکور نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان در امور شهری، متوسط به بالا بوده است.

برای بررسی مشارکت شـهروندان بـه تفکیـک منـاطق منتخـب شـهرداری، ابتـدا، منـاطق برگزیده، به مناطق برخـوردار(۱و۳) و نیمـه برخـوردار(۵ و۸ و٦) و کـم برخـوردار(۱۰ و۱۱) مقوله‌بندی شدند. تحلیل پراکنش یکطرفه، نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی شـهروندان بـه تفکیـک منـاطق مقولـه‌بنـدی شـده، تفـاوت معنـی داری از هـم داشـته (۲/٦۷٤,n=۷۰۰ , Sig=/۰۵F=) و در این میان، به ترتیب، مشارکت شهری ساکنان مناطق نیمـه برخـوردار و کـم برخوردار، بیشتر از مشارکت شهری ساکنین مناطق برخوردار بوده است.

برای سنجش تأثیر بعد مادی رفاه اجتماعی بر مـشارکت شـهروندان در امـور شـهری، شاخص‌های درآمد ماهیانه خانوار و تأمین مایحتاج اولیه (تأمین خوراک و پوشاک اعضای خانوار)، انتخاب گردیده بودند. نتایج یافته‌ها نشان داد که بیشتر شهروندان از حیث درآمـد و تأمین نیازهای اولیه در سطح متوسط به بالا بوده و در مقایسه، شهروندانی که بـه لحـاظ مادی در وضعیت پایینی قرار گرفته‌اند، مشارکت کمی نـسبت بـه بقیـه داشـته انـد. مـوارد مذکور با تحلیل پراکنش یکطرفه نیز تایید گردید (Sig =/۰۳, F= ۲/٦٤, n =۷۰۰).

میانگین اعتماد نهادی شهروندان ۱۱/۵۲و چاولگی برابر با۷٤/ می‌باشد که نشان می‌دهد اعتماد شهروندان به مسؤولان شهری در حد پایینی بوده است. همچنـین نتـایج حاصـله از آزمون پیرسون نشان داد که هر قدر اعتماد نهادی در جامعه بالا باشد، به همـان انـدازه بـر مشارکت شهروندان در اداره امور شهری افزوده می‌شود (R= /۳۵۲, Sig =/۰۰۰, n =۷۰۰).

میانگین احـساس محرومیـت نـسبی شـهروندان، ۱۱/۸۰ و چـاولگی برابـر بـا ۰۰٦/- می‌باشد. نتایج مذکور نشان می‌دهد که احساس محرومیت نـسبی در میـان شـهروندان کـم

بوده است. همچنین برای آزمون رابطه میان دو متغیر مـذکور، از آزمـون پیرسـون اسـتفاده گردید. نتایج حاصله نشان داد که شدت همبستگی بین این دو متغیر ضعیف و نـوع رابطـه معکوس می‌باشد؛ یعنی هر چه احساس محرومیت نسبی شهروندان رو به فزونی گـذارد، به همان اندازه، از مشارکت آنان در امور شهری کاسته خواهد شـد (Sig /۰۰۰,n = ۷۰۰ =R= –/۲۰۹).

میانگین احساس رضامندی اجتمـاعی شـهروندان، ۱۳/۵۳ و چـاولگی برابـر بـا ۲۷۷/– می‌باشد. این امر نشان می‌دهد رضامندی اجتماعی در بین شهروندان، نسبتاً بالا بوده اسـت. همچنین رابطه خطی بین متغیّر رضامندی اجتماعی با متغیر مـشارکت شـهروندان در امـور شهری از طریق آزمون پیرسون تأیید شده و شدت همبستگی بـین ایـن دو متغیـر ضـعیف بوده است؛ یعنی هر چه در جامعه شهری رضامندی اجتماعی بالا رود، به همان مقـدار بـر مشارکت شهروندان در امور شهری افزوده خواهد شد (R= /۲۵۳, Sig =/۰۰۰, n = ۷۰۰).

میانگین رضامندی شهروندان از خدمات بهداشتی، ۱۰/۷۳ و چـاولگی برابـر بـا ۲۳۸/– می‌باشد؛ یعنی شهروندان از خدمات بهداشتی دریافتی، تـا حـدی راضـی بـوده انـد. بـرای آزمون رابطه دو متغیـر مـذکور، از پیرسـون اسـتفاده گردیـد. نتـایج نـشان داد کـه شـدت همبستگی بین این دو متغیر ضعیف می‌باشد؛ یعنی هر چه رضامندی شهروندان از خدمات بهداشتی بیشتر باشد، به همان اندازه بر میزان مشارکت شهروندان در امـور شـهری افـزوده خواهد شد (R= / ۱۶۸, Sig =/۰۰۰, n = ۷۰۰).

همچنین دارندگان دفترچه‌های بیمه درمانی، نسبت به کـسانی کـه دارای دفترچـه بیمـه درمانی نبوده‌اند، مشارکت بیشتری در امور شهری داشته‌اند و این تفاوت میانگینها به لحاظ آماری، معنی دار بوده است (T= ۳/۵, Sig =/۰۰۰, Df = ۶۹۸).

تحلیل رگرسیونی چند متغیره

درشکل‌گیری مشارکت شهروندان در امور شهری، اعتماد نهادی، بالاترین تاثیر(۲۷۶/ = بتا) را نسبت به سایر متغیرها داشته است. نتیجه کلی این که، رابطه بین متغیرهای مستقل و

وابسته، تأیید شده و ضریب تبیین تصحیح شده نشان می‌دهد، ۱۷ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل تبیین شده است (جدول شماره ۲). همچنین معنی داری مدل رگرسیونی بر اساس روابط علّی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، طبق معادلات ساختاری (لیزرل) نیز تأیید گردیده است. شکل شماره۱ نشان می‌دهد که رابطهٔ بعد مادی رفاه اجتماعی با متغیر وابسته به لحاظ آماری معنی دار نبوده و کلیه متغیرهای بعد غیرمادی رفاه اجتماعی (به جز رضامندی بهداشتی)، با متغیر وابسته، رابطه داشته‌اند.

جدول شماره ۲: تحلیل رگرسیون چندمتغیره

متغیر	بتا	t	سطح معنی داری	آنالیز واریانس		ضریب همبستگی چندگانه	/٤١٤
				کمیت F	سطح معنی داری		
رفاه مادی	/٠٣٦	/٩٨	/٣	٢٨/٦٦	/٠٠٠	ضریب تبیین	/١٧١
اعتماد نهادی	/٢٧٦	٧/٤	/٠٠٠			ضریب تبیین اصلاح شده	/١٦٥
احساس محرومیت نسبی	-/١٢٩	-٣/٦٠	/٠٠٠			اشتباه معیار برآورد	١١/٥٥
رضامندی اجتماعی	/١٦٥	٤/٤٥	/٠٠٠			کمیت دوربین واتسون	١/٨٢
رضامندی بهداشتی	/٠١	/٢٩	/٧				

عدم معنی داری در سطح ٠٥/: *

Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

شکل شماره ۱: تبیین مشارکت شهروندان در امور شهری

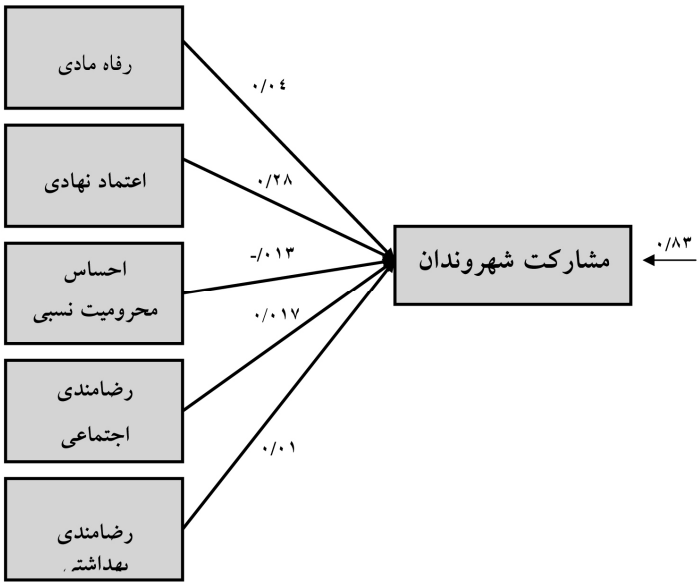

بحث و نتیجه‌گیری

هابرماس، لوهمان، باربر و دریسکول از جمله اندیشمندانی بودند که وجود اعتماد در جامعه را یکی از پیش فرضهای اساسی تحقق فرایند مشارکتی شهروندان در امور شهری قلمداد کرده بودند. از منظر اینان، بدون وجود اعتماد درجامعه، نمی‌توان از شکل‌گیری کنش مشارکتی شهروندان سخنی به میان آورد. از زاویه دیگر، پاتنام (Putnam) نیز، از اعتماد اجتماعی به عنوان تسهیل‌گر کنش‌های هماهنگ در جامعه یاد می‌کند. از نظر ایشان، اعتماد به عنوان مکانیسم کنترل اجتماعی در جامعه عمل می‌کند؛ یعنی نمی‌گذارد گروههای مسلط در جامعه به نفع خود عمل نمایند (Hooghe, 2007). در تأیید نظریات مذکور، نتایج تحقیقات ربانی و گنجی (۱۳۸٤)، مقدس جعفری (۱۳۸۱)، کیهانی (۱۳۸٤)، روسی (۲۰۰٦) اسمیت (۲۰۰٦) و لی (۲۰۰٦) نشان داد، وجود اعتماد نهادی در جامعه می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری کمک شایانی نماید. نظریات مذکور و نتایج

تحقیقات انجام یافته در جامعه آماری مورد مطالعه، مورد آزمون واقـع گردیـده و محتـوای آنها (رابطه مستقیم بین اعتماد و مشارکت) به تأیید رسید.

دیویس، رانسیمن و کروسبی از جمله دانشمندانی بودند که تـأثیر احـساس محرومیـت نسبی را بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، حیاتی خوانده بودند. از نظر آنان، تـا زمانی که شهروندان احساس نمایند در مناطق شهری از حیث خدمات و تسهیلات دریافتی و یا از هر لحاظ، تبعیضی وجود داشته و مسؤولان نـوعی نـابرابری‌هـای شـهری را دامـن مـی‌زننـد، طبیعـی اسـت از انجـام فعـل مـشارکتی سـرباز خواهنـد زد. نتیجـه تحقیـق امیرکافی(۱۳۸۲) نیز نشان داده بود که بین احساس محرومیـت نـسبی در جامعـه و میـزان مشارکت مردم در امور مختلف شهری، رابطه معکوسی وجود دارد. نتـایج مطالعـهٔ مـا نیـز نشان داد که احساس محرومیت نسبی تأثیر منفی بر میـزان مـشارکت شـهروندان در امـور شهری دارد.

بر اساس تئوری مازلو مذکور، انسانها دارای نیازهای مادی (ارضای نیازهای اولیـه و ..) و معنوی (رضامندی اجتماعی و ..) بـوده و تـأمین آنهـا مـی‌توانـد بـر فعالیـت اجتمـاعی شهروندان، نظیر فعالیت‌های مشارکتی، تأثیر گذار باشد. در همین راستا و با استناد به نظریه فریزر (مانند بخشی از نظریه مازلو) نیز می‌توان گفت تا زمـانی کـه شـهروندان مـشکلات مادی و معیشتی خود را مرتفع نسازند، نمی‌توان از شکل‌گیری انگیزه کنش مشارکتی آنـان سخنی به میان آورد. نتایج تحقیقات انجام یافته توسط ریسک (تاجیک اسـماعیلی، ۱۳۷٦)، کمپل (کیهانی، ۱۳۸٤) و ریبوری (۲۰۰۵)، نشان داد که متغیرهـایی نظیـر درآمـد و تـأمین نیازهای اولیه شهروندان در مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیرگذار بوده‌اند. مطالعهٔ ما نشان داد که با ورود متغیرهای مربوط به ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی، اثر بعد مـادی رفـاه بر مشارکت از بین می‌رود.

آنچه از محتوای نظریه گرونبرگ استنباط می‌شود این اسـت کـه رضـامندی اجتمـاعی تأثیر بسزایی در مشارکت شهروندان در امـور شـهری دارد. در تأییـد آن، نتـایج تحقیقـات کاظمی کردآسیایی (۱۳۸۱)، حسین زاده (۱۳۸۵) و کوثری (۱۳۷٤)، نشان داد که رضامندی اجتماعی با مشارکت شـهروندان در ارتبـاط بـوده اسـت و شـهروندانی کـه از رضـامندی

اجتماعی بالایی برخوردارند، بیشتر علاقه‌مند به مشارکت در امور شهری هستند. نتایج تحقیق حاضر، محتوای نظریات مذکور (رابطه رضامندی اجتماعی و مشارکت) را تأیید کرده، بر قابل کاربرد بودن آنان در جامعه آماری مورد مطالعه، صحه گذاشت.

بر اساس نتیجه تحقیق ایکستروم و همکاران (۲۰۰۷)، رضامندی بهداشتی با مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی در ارتباط بوده است و در جامعه‌ای که شهروندان آن از خدمات بهداشتی دریافتی رضایت نداشته باشند، کمتر علاقمند به مشارکت در امور شهری خواهند بود. تحقیق حاضر نشان داد که با ورود سایر متغیرهای ابعاد غیر مادی رفاه اجتماعی به معادله، اثر رضامندی بهداشتی بر مشارکت از بین می‌رود.

نتیجه نهایی حکایت از آن دارد که رابطه بعد غیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری بیشتر از بعد مادی آن بوده است. بنابراین با در نظر گرفتن نتایج حاصله، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

طرح شعارهای مشارکت جویانه از سوی دولت و دستگاههای دولتی یکی از نشانه‌های مهم حرکت دولت به سوی مشارکت است. حال که مسؤولان و دستگاههای دولتی در ایران به این نتیجه رسیده‌اند که برای مرتفع کردن معضلات شهری، بایستی دست نیاز به مشارکت مردم در امور اجتماعی و به ویژه شهری دراز نمایند، ضروری است برای رسیدن به اهدافشان، هر گونه انتقاد سازنده را با جان و دل پذیرا بوده، با صداقت و مسؤولیت پذیری در عمل، حسن اعتماد شهروندان را به خود جلب نمایند.

از نظر مکفرسون، یکی از پیش شرطهای اساسی مشارکت مردم، تقلیل نابرابری کنونی اجتماعی و اقتصادی است (حسین‌زاده، ۱۳۸۵: ۷٦). در این راستا، نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد که هر چه از احساس محرومیت نسبی در بین شهروندان کاسته گردد، به همان اندازه بر میزان مشارکت آنان در امور شهری افزوده خواهد شد؛ یعنی مسؤولان شهر می‌توانند با تخصیص عادلانه امکانات شهری نسبت به مناطق شهرداری، از احساس محرومیت نسبی شهروندان بکاهند. بنابراین ضروری است که در تخصیص امکانات به مناطق شهرداری، پتانسیل‌ها، محرومیتها و نارسائیهای منطقه در نظر گرفته شود در حد امکان از اعمال هرگونه تبعیض در ارائه خدمات و امکانات شهری پرهیز نمایند.

نکته پایانی اینکه اگر بخواهیم برای ایجـاد مـشارکت فعـال شـهروندان دنبـال ابـزاری مناسب باشیم، می‌توانیم جلب اعتماد شهروندان از سوی مسؤولان شهری را مهمترین ابزار قلمداد کنیم.

منابع References

ـ امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۲)، **بررسی میـزان مـشارکت اجتمـاعی شهـــروندان در اداره بهینــه امور شهری**، تهران، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.

ـــ تاجیـک اسـماعیلی، عزیـز الله. (۱۳۷٦)، **حـس مـشارکت و مـسؤولیت پـذیری دانش‌آموزان**، گزیده‌ای از چکیده پایان‌نامه‌های کارشناسـی ارشـد و دکتـرای خـارج از کشور، سازمان آموزش و پرورش استان آ ـ شرقی، شورای تحقیقات.

ـ تقوی، نعمت الله.(۱۳۸۵)، **بررسی عوامل و زمینه‌های مشارکت مردم در توسعه منطقه شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی**، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی.

ـ حسین زاده، علی حسین. (۱۳۸۵)، **بررسی تطبیقی تاثیر عوامل اجتماعی ـ سیاسـی و مشارکت مردم در انتخابات مجلـس شـورای اسـلامی(۱۳۵۸-۱۳۸۲)**، پایـان نامـه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انـسانی، گـروه علـوم اجتماعی.

ـــ دهقـان، علیرضـا و غلامرضـا غفـاری.(۱۳۸٤)، تبیـین مـشارکت اجتمـاعی فرهنگـی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران. **مجله جامعـه‌شناسـی ایـران**، دوره ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۸٤.

ـ ربانی، رسول و گنجی محمد.(۱۳۸٤)، تبیین وضعیت مشارکت دانـشجویان در تـشکیل شرکت تعاونی دانشجویی، **فصلنامه همیار**، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸٤.

ـ رضوی، سیدحسن.(۱۳۷۷)، فقر، پیشرفت و توسعه، **رهیافتها و شاخصها**، جلد۱، جهـاد سازندگی.

ـ رفیع‌پور، فرامرز.(۱۳۷۲)، **سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی**، تهـران، مرکزتحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.

ـ رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، **آناتومی جامعه**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ـ ریتزر، جورج.(۱۳۷٤)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

ـ علوی تبار، علیرضا.(۱۳۸۰)، **الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها**، تهـران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

ـ کاظمی کردآسیایی، میترا.(۱۳۸۱)، **بررسی ارتباط بین مهارتهای انسانی مدیران با جلب**

مشارکت اولیای دانش‌آموزان متوسطه و راهنمایی شهرستان بابلسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم تربیتی.

ـ کوثری، مسعود.(۱۳۷٤)، **بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان در فعالیت‌های عمرانی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

ـ کیهانی، مسیح الله.(۱۳۸٤)، **بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان**، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.

ـ مقدس جعفری، محمد حسن و باقرزاده، فیروز.(۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان کرمان، پژوهشگران فرهنگ، **فصلنامه شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ ارشاد اسلامی کرمان**، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۱.

ـ نیازی، محسن.(۱۳۸۱)، **تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان**، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.

- Bannet, Fran.(2004), Development of social Security, **Social Policy Review**, University of Bristol, Grear Britain: The Policy Press.
- Deriscol, James.W.(1978), Trust and Participation, **Academy of Management Journal**,Vol.21, No.1 , PP: 44-56
- Ekstrom, Henrik., Dahlin Ivanoff ., and Elmstahl, Solve.(2007), Restriction in social participation and lower life satisfaction among fractured in pain Results from the population study ‘‘Good Aging in Skane’’, **Since Direct(Archives of Gerontology and Geriatrics**, pp: 1-16.
- Giddens, Anthony.(2006), **Sociology**, Fifth Edition, Cambridge, Polity Press.
- Graff,johann.(2000), Struggling with impass: Has Development Theory Been able to Reinvent itself ,**sociology**, university of cape town.
- Hooghe,Marke.(2007), Social Capital and Diversity Generalized Trust, Social Cohesion and Regimes of Diversity, **Canadian Journal of Political Science**, 40: 3 Catholic University of Leuven, (September 2007),pp: 709–732.
- Howard, Patricia B., Kay Rayens , Mary., El-Mallakh, Peggy.,

and Clark, James, J.(2007), Predictors of Satisfaction Among Adult Recipients of Medicaid Mental Health Services, **Since Direct(Archives of Gerontology and Geriatrics**, pp: 257-269

- Lee, Eunjung.(2006), **A social resource model of political participation: Mass media use,social capital, and political participation** (Dissertation), Cornel university.
- Lewis,David,andWeigert, Andrew.(1985),Trust as a Social Reality, **Social Forces**,Vol.63,No.4,pp: 976-985.
- Mehlum, Halvor.(2002), Should I stay? Should I go? On Relative Deprivation, and Migration Dynamics, **Review of Development Economics**, (1), PP: 67-76
- Rayan, Margaret.(1999), Participation & Empowerment: **An International Journal**, Vol. 7 No. 2, 1999, pp: 33-42, © MCB University Press.
- Rebori,Marlene K.(2005), **The effectiveness of citizen participation in local governance: A case study of citizen advisory boards**(Dissertation),university of Novada.
- Rose,Trent,M.(2006), **Measuring civic engagement in Idaha Falls**(Dissertation), Idaho state university.
- Rothenberg,Jerome.(1953),Marginal Preference and Theory of Welfare, **Oxford Economic Paper**, New Series, Vol.5, No.3,pp: 248-263.
- Saunders, Peter., Brown, Judith., and Eardely, Tony.(2003), Patterns of economic and social Participation among faCS Customers, **Social Policy Research Center**, No.19, University of New South Wales.PP: 1-67.
- Schubler, Peter.(1996), Participation and Partnership in Urban Infrastructure Management, **Urban Management and Infrastructure19**, Published for Urban Management Programme by World bank, Washington, D, C.
- Smith,Ronald,S.(2006), **Discerning differences in social capital: The significance of interpersonal networks and neighborhood association structure of citizen participation**(Dissertation), Indiana university.
- Verba, Sidney(1967), Democratic Participation, **Annuals of the American A cademy of Political and Social Science**,Vol.37,pp: 53-78.